

بررسی و شناسایی چالش‌های توسعه و صادرات خدمات فنی مهندسی در حوزه نفت و گاز

محمد علی شاه حسینی^۱، محمد فقیه علی آبادی^۲

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۱/۱۲/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۲/۳/۳۰

ضعف در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز نه تنها فرصت توسعه ملی را از ایران می‌رباید، بلکه این ضعف در دراز مدت به عنوان تهدید قلمداد می‌گردد، چرا که اگر همچون امروز تنها تکیه بر صادرات انرژی باشد و از دانش آن در جهت توسعه خدمات فنی و مهندسی در خارج از مرزها استفاده نگردد، طبق برآوردها در آینده ای نه چندان دور، ایران از صادر کننده خالص انرژی به وارد کننده آن تبدیل می‌گردد. توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز و درآمدزایی از طریق آن نه تنها امکان حفظ این انرژی با رویکردی بلند مدت را فراهم می‌کند، بلکه توان کشور را در زمینه‌های ارز آوری، ایجاد اشتغال، ارتقاء فناوری و دانش فنی، بهبود روابط سیاسی و صدور فرهنگ و تمدن بالا خواهد برد. اما با وجود تلاش‌های بسیار در توسعه دانش فنی، کماکان این مسیر با انسدادهای بیشماری روپرورست. در این مقاله، بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته کیفی از نخبگان، و با رویکرد تحلیل تم، مدل مفهومی تبیین گردیده که به واکاوی گلوگاه‌های توسعه نظام فنی و مهندسی صنعت نفت پرداخته است. همچنین از دستاوردهای این مقاله می‌توان به شناسایی موانع در سه حوزه زمینه، رفتار و ساختار اشاره کرد.

کلمات کلیدی:

خدمات فنی و صادرات، گلوبالیزاسیون، تحلیل تم، زمینه، رفتار، ساختار

مقدمه

بیش از یکصد سال پیش اولین آثار ذخایر عظیم هیدروکربوری جهان با اکتشاف از میدان‌های نفتی ظاهرشد. در آن روزگار، تخمین و برآورد این حجم از ذخایر بسختی به ذهن‌ها خطور می‌کرد، ولی در این میان، کشورهایی که سودای فتح آینده را داشته‌اند، راهبردهای توسعه خود را تدوین کردند.

امروزه تعداد کشورهایی که صاحب فناوری پیشرفته در بخش‌هایی همچون اکتشاف، استخراج و فرآوری هستند، بسیار محدود است و در بین آنها کشورهایی را هم می‌توان یافت که از این ثروت طبیعی محروم هستند و لیکن اندیشه سالهای قبل آنان بر تدوین راهبرد توسعه، موجب شده است تا امروز کشورهای صاحب این ذخایر به آنان نیازمند باشند. در بین کشورهای دارای فناوری پیشرفته نفت، کشورهای صاحب این ذخایر نیز وجود دارند که برای استقلال در نحوه و میزان استفاده از این ذخایر به توسعه صنعت نفت خود توجه جدی کرده‌اند. گرچه امروز صنعت نفت کشور ایران به درجه‌ای از اعتبار رسیده و می‌تواند تا حدودی پژوهه‌های ملی را سر و سامان دهد، ولی به نظر می‌رسد با تدبیر بیشتر بتوان به جایگاهی مطمئن در خدمات فنی و مهندسی و توسعه آن به خارج از مرزها و به بازارهای جدید نفتی دست یافت به گونه‌ای که هم نیاز پژوهه‌های خود را پاسخ‌گو باشیم و هم در منطقه به عنوان یک کشور صاحب فناوری پیشرفته در کنار شرکت‌های بزرگ نفتی جهان از این توانائی کسب درآمد نمائیم و مهمتر از همه از یک صادرکننده خام، به صادرکننده دانش فنی و اجرایی تبدیل گردیم. متاسفانه ضعف در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز نه تنها فرست توسعه ملی را از ایران می‌رباید، بلکه این ضعف در دراز مدت به عنوان تهدید قلمداد می‌گردد. اگر همچون امروز تنها تکیه بر صادرات انرژی باشد و از دانش آن در جهت توسعه خدمات فنی و مهندسی در خارج از مرزها استفاده نگردد، طبق برآوردها در چشم انداز ۱۴۰۴، ایران از صادرکننده خالص انرژی به وارد کننده آن تبدیل می‌گردد.^[3]

بدون تردید، اگر راهبرد توسعه صنعت نفت بر پایه توسعه و صدور خدمات و فناوری صنعت نفت و گاز تدوین شود، می‌توان انتظار داشت که در سالهای آتی درآمد حاصل از این فعالیت به مرور، جایگزین درآمد حاصل از فروش نفت در بودجه کشور برای نسلهای آینده گردد. دستیابی به این چشم انداز مستلزم آن است که دست به کالبد شکافی صنعت نفت و گاز زده و با دیدی بالینی، چالش‌های بنیادی آن را شناسایی و در جهت رفع آن اقدام نمود.

بیان مسئله

با شروع عصر صنعت نفت، یک نقش حیاتی در اقتصاد این سرزمین ایفا کرده است و تا به امروز، این نقش تا آنجا به حیات این سرزمین گره خورده است که هرگونه نوسانی در آن، خود را در ناپیدا ترین زوایای اقتصاد این سرزمین نشان می‌دهد. این امر کشور را به سمت یک اقتصاد تک قطبی کشانده و چالش‌های بسیاری را سبب گشته که دامنه آن هم

دامان سیاست را گرفته و هم معیشت مردم را به سوی دام های فراوان سوق داده، هم اصول یک اقتصاد آزاد را به چالش کشانده و هم بینظمی های مدنی را سبب گشته است. لذا فهم درست ادبیات توسعه در دوران مدرن و درک منطقی از پارادایم امروز و شناخت مرز های آن و تفسیری نو از سلطه قدرت، ثروت و داشت، و انعکاس آن در خدمات فنی و مهندسی، به عنوان رویکردی نو در خصوص گفتمان غالب در پارادایم امروز و پیوند آن با توسعه ملی و شناسایی جایگاه دولت به عنوان موتور توسعه و ربط آن با صنایع کشور و درک عقلانیت و تلاش برای نهادینه کردن آن در صنعت نفت و گاز کشور، بسیار اهمیت دارد.

تمامی موارد اشاره شده، دلایلی را پیش کشانده است تا نظام نفتی ایران، در صدد اصلاح خویش برآید، نقص ها را جبران کند و راه را از کوهه راه تمیز دهد که از آن جمله می توان به چرخشی که در چشم انداز نظام نفتی پدید آمده است، اشاره داشت؛ چرخشی که بسیار میمون و پر برکت است و در آن، سخن از تمرکز در مبانی دانشی و مهندسی و توسعه و صدور آن می باشد، گرچه این تازگی با خود نوید های بسیاری دارد که از آن جمله می توان به رهایی نظام نفتی از رخوت و سستی اشاره داشت، اما مصائب پیش رو و پیش آمده در خصوص غفلت از مبانی توسعه خدمات فنی و مهندسی و مبادی ساختاری و مدیریتی آن، این ضرورت را ایجاب می کند تا این امر به تیغ نقد و بحث و فحص بنشیند تا این توان را بیشتر و بهتر یابد که در مسیر توسعه، گام های منطقی برداشته شود.

ادبیات تحقیق و پیشینه موضوع

چرخش در اتخاذ راهبردهای توسعه ملی بالاخص در کشور های جنوب شرق آسیا و تمرکز بر صنایع مادر و توسعه خدمات دانشی و خلق مزیت رقابتی جهانی و صدور آن به خارج از مرز های سیاسی و کسب مزیتهای سرشار از آن، نشان از اهمیت بالای صنایع مادر در توسعه ملی و در پارادایم دانایی است. اما صنعت نفت ایران با صد سال سابقه و سی سال شعار توسعه، در تحقق اهداف و چشم اندازها بویژه در خصوص خدمات فنی و مهندسی و صدور آن، با مشکلاتی مواجه می باشد که آن را می توان در دو دسته کلان ایدئولوژیکی و ساختاری نشاند و به همین شکل در گونه شناسی موانع، آنها را در سه گونه رفتار، ساختار و زمینه تقسیم بندي کرد. در موانع ساختاری، اشاره به قواعد و قوانینی ناهمگون و نامتوزن است و در موانع رفتاری، مراد کج رفتاری و کج اندیشه است و منظور از موانع زمینه ای، بستری است که کم توجهی به عقل گرایی در آن، تمامی بدنه یک نظام را به چالش می کشاند. این موانع نهایتاً نظم و نسق نظام صنعتی را به چالش های بسیار کشانده اند و لذا به رغم مزیت های فراوان در نظام نفتی، شاهد از دست دادن فرصت های بیشماری در بازار های بین المللی باشیم.

تا به حال تحقیقات زیادی در زمینه خدمات انجام گردیده است، اما در این تحقیقات، خدمات را معمولاً به گونه ای عام در نظر گرفته اند و بندرت شامل مربزبندی های مناسب در این حوزه هستیم. در خصوص خدمات فنی و مهندسی نیز باید گفته شود که در این چند سال اخیر، بر اساس نیازهای احساس شده، تحقیقات مناسبی در این خصوص انجام شده است که

به اخذ و رفض موانع و شناسایی عوامل موثر بر ترقی آن پرداخته شده است، اما این حضور در توسعه نظام دانشی، و فنی و مهندسی، در صنعت نفت و گاز ایران به کمرنگی دیده می‌شود. از پژوهش‌های کارآمد انجام گردیده می‌توان به کار آقای صباغی و همکاران در سال ۱۳۸۲ اشاره داشت که در آن، راهبردهای تقویت شرکت‌های داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی در پروژه‌های نفت، گاز و انرژی مورد مطالعه قرار گرفته است و همینطور تحقیق آقای ابراهیمی و همکاران در سال ۱۳۸۴ که به بررسی ویژگی‌های شرکت‌های موفق پیمانکاری پژوهش‌های صنایع نفت و گاز و شناسایی چالش‌های پیش رو پرداخته است. بر اساس این پژوهش، رشد بسیار سریع و نامتوازن شرکت‌های داخلی یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه است. همچنین پایان نامه خانم فاطمه سعادت با عنوان «شناسایی موانع، مشکلات و طراحی راهکارهای بازاریابی صادرات خدمات فنی و مهندسی» در سال ۱۳۸۵ از دانشگاه تربیت مدرس و پایان نامه خانم معصومه روستایی با عنوان «بررسی راه‌های توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز به کشور عراق» در سال ۱۳۹۰ که از نوع کاربردی، اکتشافی و توصیفی می‌باشد و طبق نتایج آنها، حمایتهاهی دولت، انجام فعالیتهاهی بازاریابی، کسب عوامل فنی، موارد دانشی، عوامل مالی، و عوامل قانونی مواردی می‌باشند که میزان توجه به هر یک، میزان کیفیت خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز را بالا می‌برد. اما در تحقیقات انجام گرفته، توجه کمی به مسائل ریشه‌ای و بالینی در توسعه خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز شده است و کمبود چنین رویکردی در تبارشناصی نفت ایران، ضرورت برداشته شدن گام‌های اولیه در این حوزه را می‌طلبد و این پژوهش در راستای پیشبرد این امر می‌باشد.

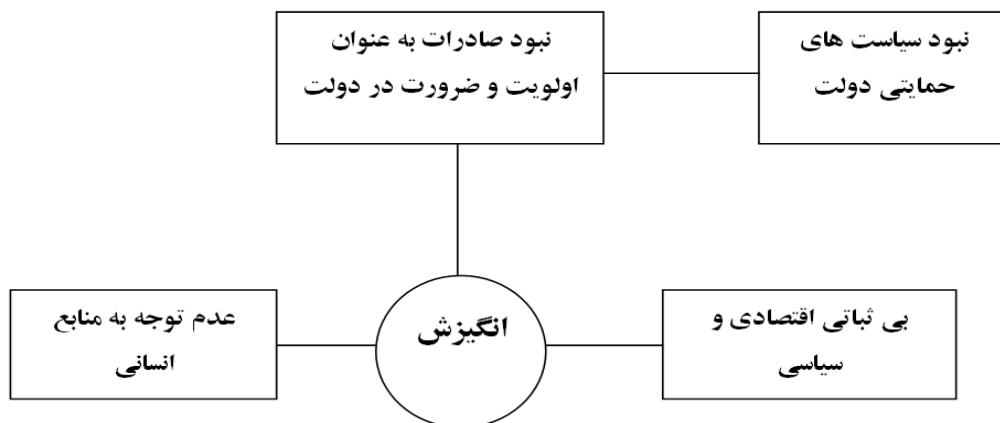
روش تحقیق

پژوهش مورد نظر با عنوان شناسایی چالش‌های صدور خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز ایران، پژوهشی در راستای شناخت بنیادین از موانع توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز است و بدین منظور، در این پژوهش، روش کیفی با رویکرد تحلیل محتوایی برگزیده شده است و در یک فرایند تبارشناصانه و از طریق مصاحبه با نخبگان (همچون مدیران، معاونین و کارشناسان وزارت نفت و گاز که حسب نظر این افراد، از آورده شدن نام آها پرهیز شده است)، گلوگاه‌ها شناسایی شده و در نهایت، با ارائه آنها در یک مدل مفهومی، سعی در فهم بهتر شناسایی شکاف‌های ارزشی در جهت توسعه خدمات فنی و مهندسی در نظام نفت و گاز کشور انجام گرفته است.

روش انجام این پژوهش، تحلیل محتوای مصاحبه است که جزء روش‌های پژوهش کیفی به شمار می‌آید. در پژوهش کیفی، شکل گیری مفهوم یک بخش اصلی از تحلیل داده‌های است و طی جمع‌آوری داده‌ها شروع می‌شود. به عبارتی دیگر، نظریه و اطلاعات به موازات هم حرکت می‌کنند و مکمل یکدیگرند^[1]. در پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها ابتدا با سوالات کلی شروع و سپس بر اساس مطالب بیان شده ادامه می‌یافتد. در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از روش تحلیل تم استفاده شده است. تحلیل تم به طور تقریبی رایج ترین رویکرد برای تحلیل داده‌ها در علوم اجتماعی به شمار می‌رود و روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود در دیدگاه مصاحبه شوندگان می‌باشد.

بنابراین در این پژوهش، بر مبنای رویکرد تمی، ابتدا متون مصاحبه‌ها بررسی شده و با توجه به جملات و نکات کلیدی در مصاحبه‌ها، به کد گذاری آنها پرداخته شده و پس از کد گذاری اولیه، محقق کدها را با هم ترکیب نموده و آنها را در دسته‌های مشابه هم در طبقات انتزاعی به نام مفاهیم (تم‌های فرعی) قرار می‌دهد و در نهایت، از طبقه‌بندی مفاهیم مشابه و مربوط طی ۱۶ مصاحبه، به یک مدل مفهومی متشکل از هشت تم اصلی رسیده است که به ترتیب شامل دولت توسعه طلب، صنعت، صنعت نفت و گاز، انگیزش، عوامل مالی، عوامل قانونی، عوامل فناورانه و فنی و عوامل ساختاری و مدیریتی می‌باشد.

به عنوان نمونه، در شکل (۱) عامل انگیزش به عنوان تم اصلی است که از اجماع تم‌های فرعی که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، تشکیل یافته است. به همین ترتیب، هر یک از تم‌های فرعی (مانند عدم توجه به نیروی انسانی) در جای خود، به عنوان تم اصلی محسوب می‌شود که تشکیل یافته از مجموعه‌ای از تم‌های فرعی است (تمامی این تم‌ها بر اساس نظر خبرگان تعیین گشته‌اند). هر تم اصلی نسبت به تم بالاسری خود به عنوان تم فرعی محسوب می‌گردد و این زنجیره تا آن جا ادامه یافته است که در نهایت، تم‌های نهایی مشخص گشته‌اند.



شکل (۱) عامل انگیزش و تم‌های فرعی آن

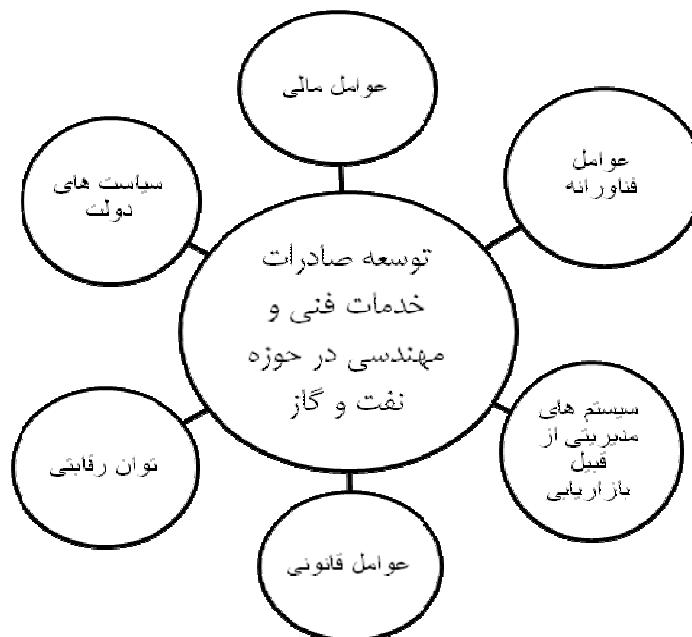
قابل ذکر است که در فراگرد تجزیه و تحلیل داده‌ها، شناسایی و طبقه‌بندی تم‌های اصلی بر مبنای سه مقوله زمینه، ساختار و انگیزش صورت گرفته است و این گونه شناسایی از تحلیل تم‌ها، (که در هیچ یک از تحقیقات گذشته انجام نگردیده است)، تلاشی است در جهت شناسایی دقیق‌تر موانع صدور خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز ایران.

طراحی مدل مفهومی

مدل مفهومی طی فرایند شکل گیری خود شامل چهار مرحله است که می‌توان آنها را در شکل‌های ذیل مشاهده کرد. در واقع، طی مراحل مصاحبه و اضافه شدن داده‌های جدید، شاهد رشد در پیکربندی مدل می‌باشیم که در نهایت و با

اتمام مصاحبه ها و طی مشاوره با خبرگان، مدل موردنظر به شکل نهایی خود رسیده است.

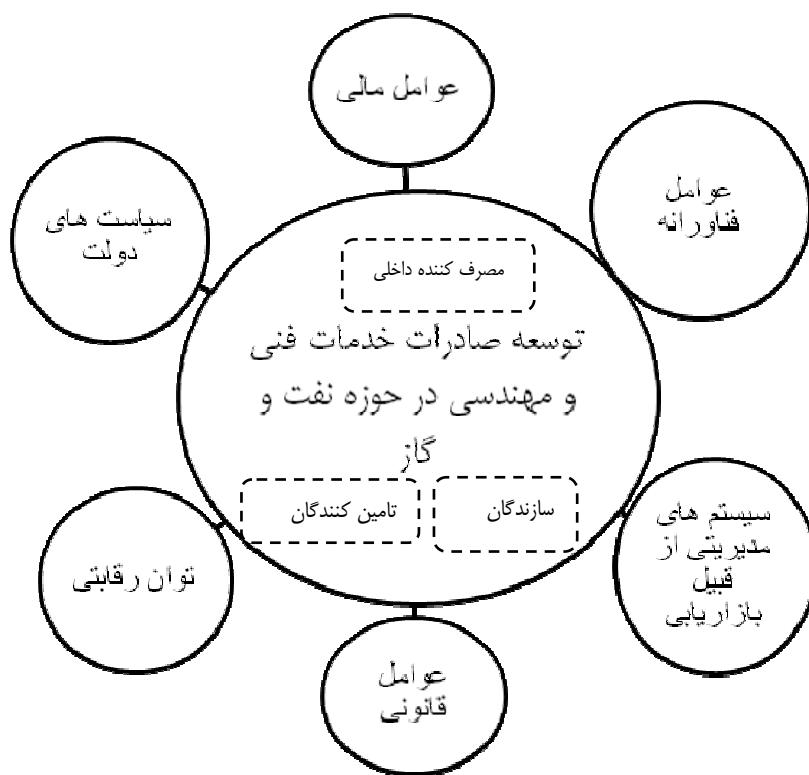
شکل (۲) نشان دهنده اولین مرحله از شکل گیری مدل مفهومی می باشد. این مدل، نتیجه اطلاعات اولیه کسب شده بر اساس داده های کتابخانه ای است. مطالعات انجام شده شامل مطالعه مدل سه شاخه ای، مدل الماس پورتر^۱، مدل اسکاپ^۲، مدل مفهومی توسعه ملی ترکمانی و مدل مفهومی توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی روسایی است. در شکل (۲)، موانع صدور خدمات فنی و مهندسی در نظام نفت و گاز ایران برآیندی از ادغام مدل های اشاره شده و شامل ۶ پارامتر به ترتیب، عوامل مالی، عوامل قانونی، توان رقابتی، سیاست های دولت، عوامل فناورانه و سیستم های مدیریتی می باشد. در این پارامتر ها، عامل رقابتی برگرفته شده از مدل پورتر است. عوامل رقابتی شامل عواملی می باشد که تولید ارزش می کنند مانند کیفیت عوامل مالی و قانونی برگرفته از مدل روسایی است و اشاره به منابع سرمایه ای دارد. عوامل قانونی اشاره به قواعد و قوانین بوروکراتیک دارد و عوامل فناورانه و سیستم های مدیریتی برگرفته از مدل ترکمانی است. عوامل فناورانه اشاره به عواملی است که تولید تکنیک می کنند که شامل فکر تکنیکی، ابزار تولید تکنیک و برنامه های تولید تکنیک است و عامل سیستم های مدیریتی شامل خرد مدیریتی است که مهمترین خصیصه آن، فهم عقلانیت در پارادایم های توسعه و مبانی آن همچون فهم درست از معنای مدرن داش، قدرت و ثروت، و موارد دیگر در فرایند مدیریت است و عامل سیاست های دولت به عنوان یک عامل مشترک انتخاب گردیده است.



شکل ۲) اولین مرحله شکل گیری مدل مفهومی

1) Michael porter
2) scap

شکل (۳) نتیجه اولین بررسی از داده های کسب شده طی مراحل اولیه مصاحبه ها می باشد. همانطور که در شکل دیده می شود، سه پارامتر تامین کننده، سازندگان و مصرف کننده به عنوان پارامتر های جدید وارد مدل گشته اند و این ورود به دلیل تأکید مصاحبه شوندگان بر وجود چالش های بیشمار برای سازندگان داخلی در جهت کسب بازارهای بومی است و به همین ترتیب، وجود موانع در امر تامین نیاز های حیاتی از جمله نیازهای فناورانه، می باشد و همچنین وجود گفتمانی خاص مابین مصرف کننده داخلی (وزارت نفت) و شرکت های ارائه کننده خدمات فنی و مهندسی است.



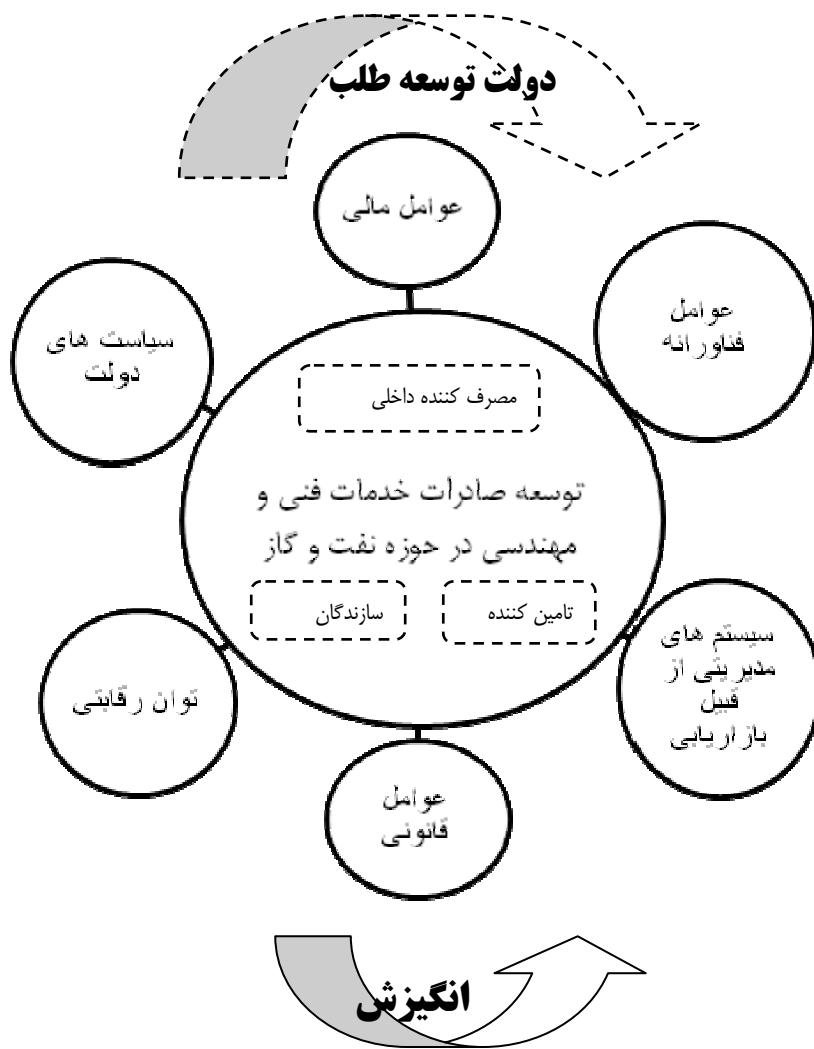
شکل (۳) دومین مرحله شکل گیری مدل مفهومی

شکل (۴)، نشانگر سومین مرحله از شکل گیری مدل مفهومی است، همانطور که مشاهده می شود، با پیش روی مصاحبه ها و کسب اطلاعات جدید و طبقه بندی آنها و شکل گیری تم های جدید، شاهد تغییراتی ژرف در مدل مفهومی می باشیم. در این مرحله، بر اساس داده های کسب شده، دولت نقشی زمینه ای را پیدا کرده است و این بدان معنی است

که تمامی موانع از بستر دولت سرچشمه می‌گیرند و هر نوع غفلت در عقلانیت توسعه طلب، تغافل از توسعه را سبب خواهد گشت، لذا واجب است دولت رویکردی توسعه طلبانه داشته باشد. بر اساس دیدگاه ماکس وبر، توسعه محصول عقلانیت است. او همچنین عقلانیت را به معنای وجود الگو و مدل‌هایی قلمداد می‌کند که قابلیت تولید و خلق توانمندی را دارا می‌باشد.^[2] این الگوهای مسئول انسجام بخشی به تمامی اعضا در جهت تحقق اهداف می‌باشند. وبر، سه خصوصیت را برای این الگوهای مسئول اشاره کرده است که شامل قابلیت در نظارت، کنترل پذیری و قابلیت در پیش‌بینی است. لذا دولت توسعه طلب در ابتدایی ترین مرحله باید این سه خصیصه را دارا باشد چرا که دولتی که قابلیت پیش‌بینی را نداشته باشد و نتواند مطالبات آینده را درک کند و به همین ترتیب، قابلیت نظارت و قدرت در سنجش کارکردهای خود را نداشته باشد، نمی‌تواند اساساً معنای توسعه را درک کند.

در ادامه مراحل مصاحبه، انگیزش به عنوان یک تم رفتاری مشخص شده است، طبق دیدگاه خبرگان طی مصاحبه‌ها، عواملی چون نبود سیاست‌های حمایتی دولت، بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، نبود صادرات به عنوان یک ضرورت در دولت و عدم توجه به نیروی انسانی، ایجادگر شکافی عظیم در رویکرد جامعه صنعتی در خصوص تمایل به امر صادرات بالاخص در زمینه دانش فنی در حوزه نفت و گاز شده است. این شکاف به عنوان یک مانع رفتاری انتخاب شده است. موانع انگیزشی، برخلاف موانع ساختاری و زمینه‌ای، متکی بر عوامل رفتاری و روانشناسی می‌باشند.

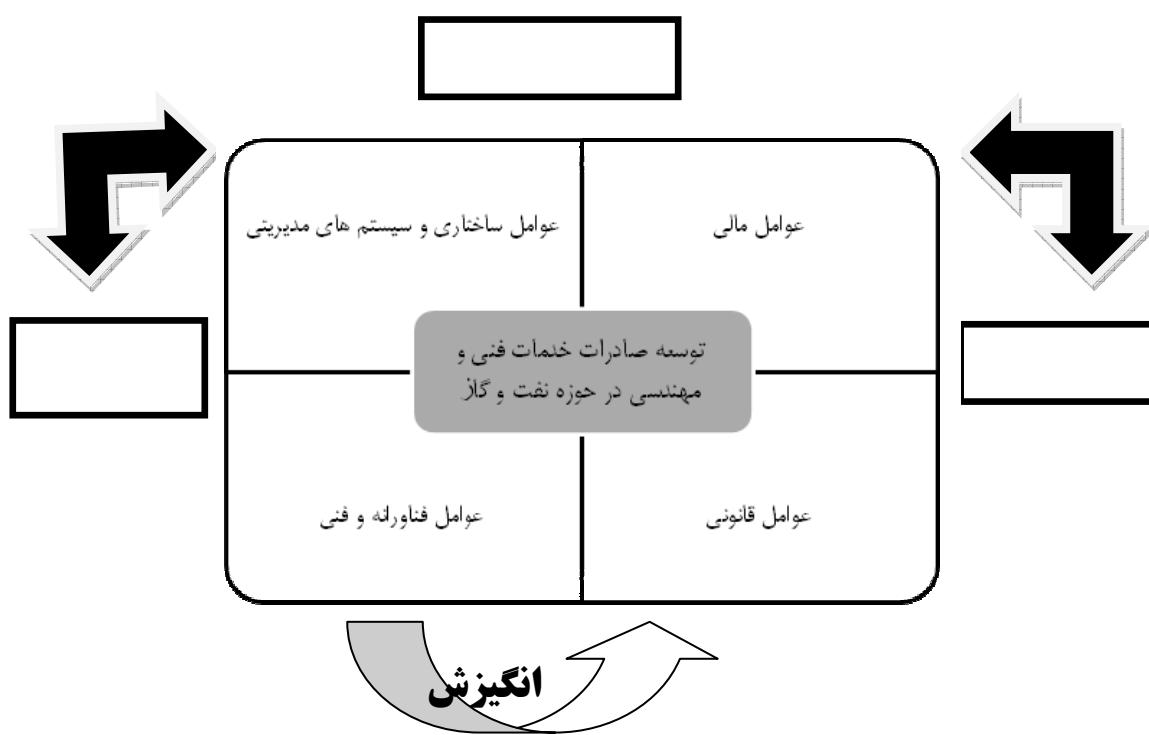
دیگر تم‌های مدل شامل عوامل قانونی، عوامل مالی، عوامل ساختاری (سیستم‌های مدیریتی) و عوامل فناورانه و فنی، به عنوان تم ساختاری تعیین گشته‌اند. همانطور که اشاره شد، عوامل ساختاری شامل فرایندهایی می‌باشند که در قالب قوانین، قواعد و الگوهای گرفته‌اند. به طور مثال، عامل فناورانه، شامل سه فرایند فکر تکنیکی، ابزار تکنیکی و برنامه تکنیکی می‌باشد، تمامی این موارد خود را در قالب الگو و قواعدی خاص عرضه می‌کنند. به همین ترتیب، عوامل مالی و قانونی خود را بر اساس قواعد بوروکراتیک و یا دیگر الگوهای عرضه می‌کنند و همینطور عوامل مدیریتی خود را در قالب الگوهای رفتاری و سازمانی جای می‌دهند. بر اساس دیدگاه مکاتب کارکرگرایان و اندیشمندانی همچون دورکیم، پارسونز و پورتو عوامل ساختاری شامل فرم‌ها، قواعد و قوانینی می‌باشند که با تغییر در آنها شاهد اصلاح سیستم خواهیم بود. درواقع، این گونه رویکرد بر این باور است که با تغییر فرم‌ها، توسعه جوهری اتفاق خواهد افتاد. به همین ترتیب، این فرم‌ها قادرند زمینه را (همچون دولت) تابع رفتار خود گردانند.^[4]



شکل ۴) سومین مرحله شکل‌گیری مدل مفهومی

شکل(۵) نشان دهنده آخرین مرحله از شکل‌گیری مدل مفهومی می‌باشد. تغییرات مشاهده شده در مدل نهایی نشان دهنده آخرین تجزیه و تحلیلات، از داده‌های کسب شده و رسیدن به تم‌های نهایی می‌باشد. در مرحله آخر، علاوه بر دولت توسعه طلب، صنعت و صنعت نفت و گاز نیز به عنوان تم‌های زمینه‌ای معرفی شده‌اند. و این امر به دلیل اهمیت ویژه صنعت در امر توسعه خدمات فنی و همینطور نقش استراتژیکی صنعت نفت و گاز، در پیشرانگی توسعه خدمات فنی و مهندسی در این حوزه می‌باشد. و همینطور عنوان زمینه برای دولت، صنعت و صنعت نفت و گاز، بدین معنی است که تمامی چالش‌ها (چالش‌های رفتاری و ساختاری) بر بستر این سه زمینه می‌رویند.

همچنین در مدل مفهومی نهایی، توان رقابتی، سازندگان، تامین کنندگان و مصرف کنندگان، به عنوان تم‌های اصلی حذف گردیده‌اند و در سیر تحلیل داده‌ها به عنوان تم‌های فرعی مشخص شده‌اند.

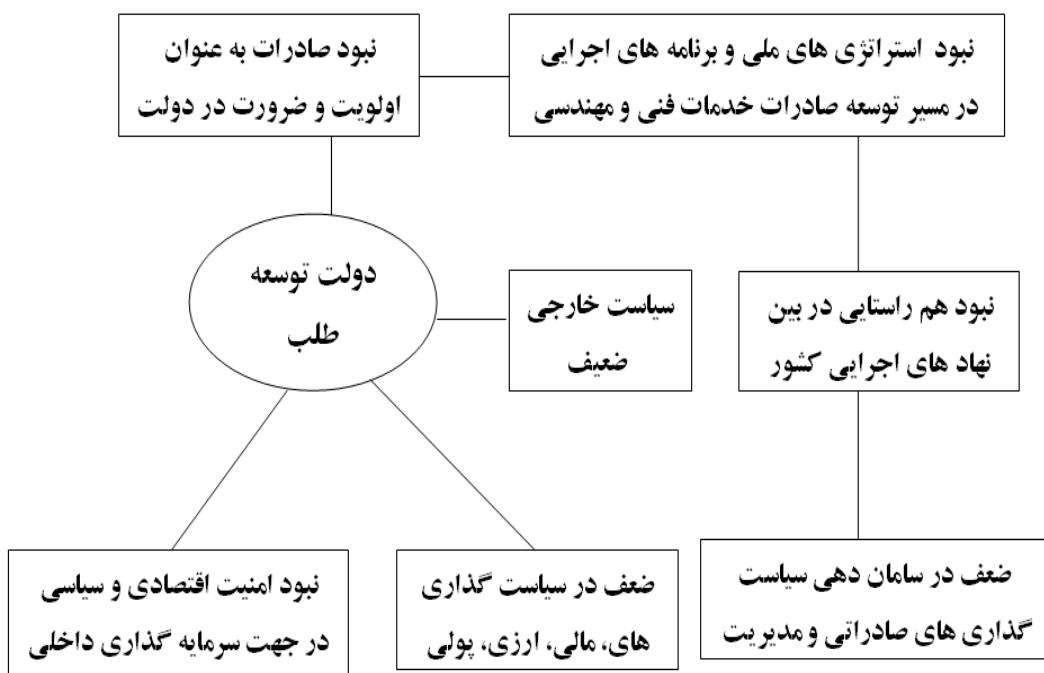


شکل ۵) آخرین مرحله شکل‌گیری مدل مفهومی

عنوان زمینه برای دولت، صنعت و صنعت نفت و گاز، بدین معنی است که تمامی چالش‌ها (چالش‌های رفتاری و ساختاری) بر بستر این سه زمینه می‌رویند. این امر در فرایند تحلیل نهایی تم‌های اصلی در سه بخش دولت، صنعت و صنعت نفت و گاز در اشکال (۶)، (۷)، (۸)، دیده می‌شود. قابل ذکر است که سه چالش زمینه‌ای مطرح شده دارای سلسله مراتبی می‌باشند که در این تسلسل، دولت در بالاترین جایگاه قرار داشته و بعد از آن به ترتیب صنعت و صنعت نفت و گاز می‌باشند. بر طبق این سلسله مراتب، چالش‌های ایجاد شده در هر یک از تم‌های زمینه‌ای متاثر از تم زمینه‌ای بالا اسر آن می‌باشد.

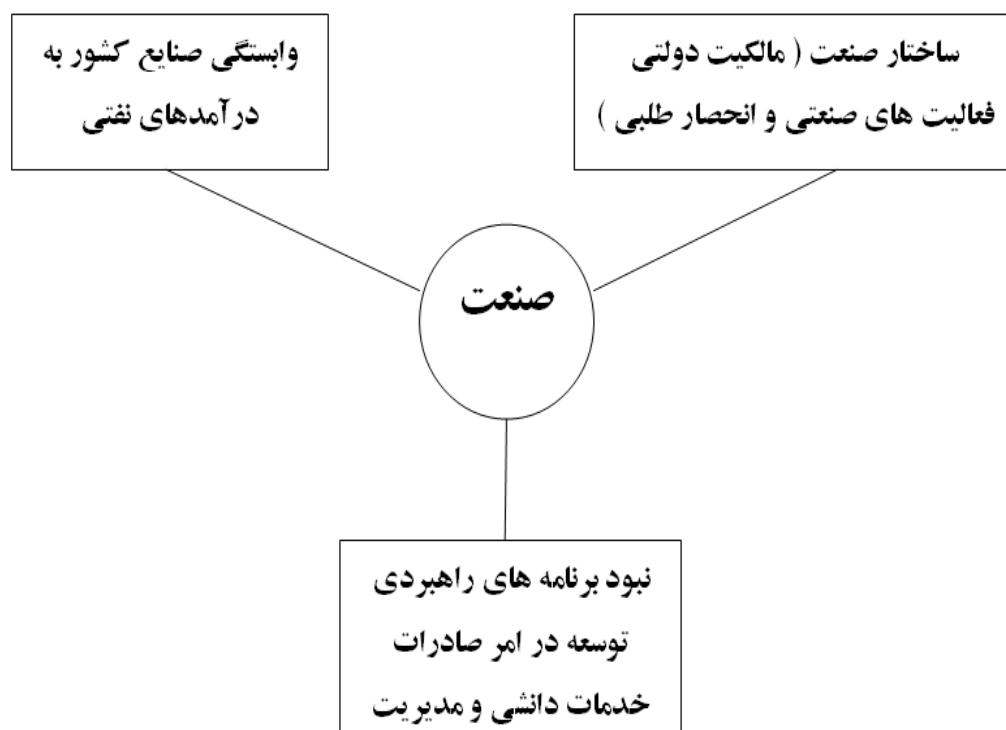
اولین تم اصلی و حیاتی مدل که بر مبنای داده‌های کسب شده از مصاحبه‌ها، به عنوان یک تم زمینه‌ای معرفی گردیده است، دولت توسعه طلب می‌باشد. نقش دولت توسعه طلب همانطور که طی مصاحبه‌ها، بارها و بارها بدان اشاره شد، به عنوان یک زمینه، تأثیر گذار در تولید تمامی مواد در امر صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز

می باشد. طبق آراء کسب شده از مصاحبه ها، اگر دولتی دچار اخلال در فهم توسعه باشد، یقیناً مسیر صادرات با چالش های بیشماری مواجه خواهد گشت و اولین چالش، عدم توانایی در ساماندهی سرمایه های داخلی و جهانی است. زیرا اگر دولتی در فهم توسعه ناتوان گردد، مسلماً در تعامل با نهاد های داخلی و همینطور با جامعه بین المللی دچار سردرگمی خواهد گشت و نتیجه آن، بی ثباتی داخلی و عدم رغبت در تولید خواهد بود. تمامی افراد مصاحبه شده، طی مصاحبه خود به شکل مستقیم و غیر مستقیم به نقش دولت اشاره داشته اند و دولت را به عنوان پتانسیل اصلی حرکت در مسیر توسعه صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز بر شمرده اند.



شکل ۶) فرآیند تحلیل نهایی تم اصلی دولت

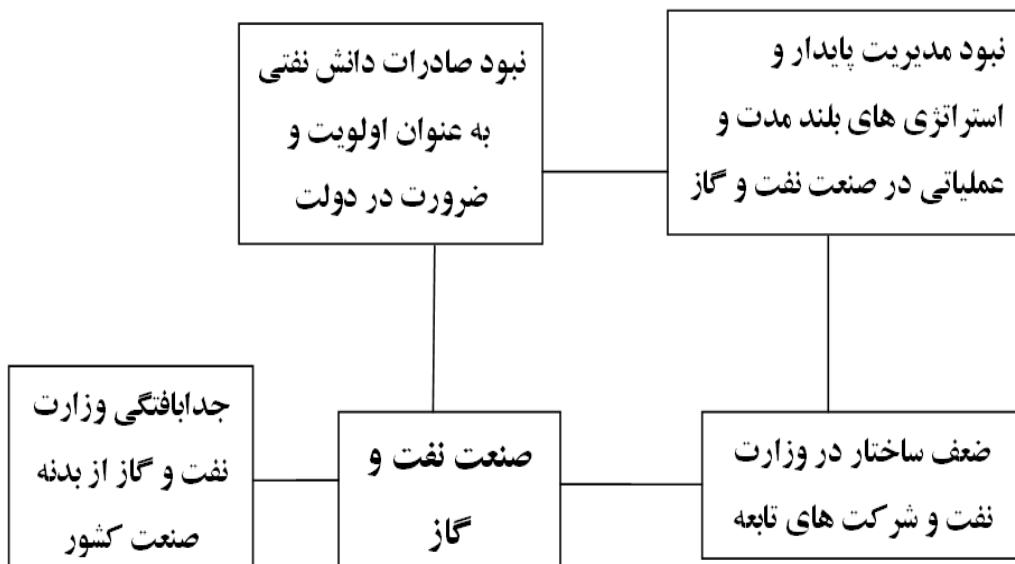
ضرورت مطرح شدن صنعت در مدل پژوهش، به عنوان یک عنصر جدا و همینطور به عنوان عنصر زمینه ای، وابسته به نقش و جایگاه پر اهمیت آن در توسعه و رشد اقتصاد یک سرزمین می باشد که طی مصاحبه ها، بکرات به آن اشاره شده است. طبق دیدگاه نخبگان طی فرایند مصاحبه ها، اولین رگه های توسعه خواهی در نظام مدرن را می توان در انقلاب صنعتی قرن ۱۸ دید و اگرچه انقلاب صنعتی، واژه ای متعلق به سال ها پیش می باشد، اما گذار تاریخ از ضرورت آن نکاسته است. مسیر توسعه از مسیر صنعت می گزند و کشور هایی همچون ایران برای دست یابی به اهداف خود همچنان نیازمند به فهم مجدد از توسعه نظام صنعتی خود می باشند.



شکل ۷) فرآیند تحلیل نهایی تم اصلی صنعت

صنعت نفت و گاز، بخشی حیاتی از صنعت ایران می‌باشد. ضعف در صادرات خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز نه تنها فرصت توسعه ملی را از ایران می‌رباید، بلکه این ضعف در دراز مدت به عنوان تهدید قلمداد می‌گردد. اگر همچون امروز تنها تکیه بر صادرات مواد خام باشد و از دانش آن در جهت توسعه و صدور خدمات فنی و مهندسی در خارج از مرزها استفاده نگردد، طبق برآوردها در چشم انداز ۱۴۰۴، ایران از صادر کننده خالص انرژی به وارد کننده آن تبدیل می‌گردد.^[3]

صنعت نفت و گاز، طبق حساسیت مصاحبه شوندگان و همینطور اهمیت آن در توسعه ملی، به عنوان سومین عامل مستقل و زمینه‌ای در مدل پژوهش مطرح شده است.



شکل ۸) فرآیند تحلیل نهایی تم اصلی صنعت نفت و گاز

تحلیل تم‌های کسب شده و نهایی سازی آنها بر اساس دیدگاه نخبگان، نشان از آن دارد که برآیند تمامی موانع در خصوص توسعه دانش نفت و گاز و صدور آن به خارج از مزرعه و کسب درآمد، به موانع زمینه‌ای خواهد رسید. لذا بر اساس دیدگاه نخبگان، ترمیم فرم‌ها و قواعد نفتی تنها در صورت اصلاحات در سه حوزه زمینه‌ای اشاره شده نتیجه بخش خواهد بود. همچنین این نخبگان دیدگاه‌هایی چون مکتب شیکاگو را در خصوص ارتباط ترمیم فرم و ساختار و تاثیر گذاری آن بر اصلاح سه حوزه زمینه‌ای را رد کرده اند، طبق دیدگاه مکتب شیکاگو، اصلاحات در حوزه‌هایی چون ساختار، سازمان، مدیریت، فناوری و مالی و قانونی، نهایتاً نظام صنعتی و دولت را وادار به اصلاح خواهد کرد، اما بر اعتقاد نخبگان طی مصاحبه‌ها، مسیر اصلاحات از بالا باید صورت پذیرد و این مسیر بر اساس دیدگاه مکتب شیکاگو از پایین به بالا ممکن نخواهد بود. بر اساس دیدگاه نخبگان، بدنۀ اجرایی کشور فاقد انباشت تجربه است و دچار بیماری سیاست زدگی است و این ضعف خود را در تمامی حوزه‌ها نشان می‌دهد و موانع ساختاری، مدیریتی، مالی، قانونی و فناورانه نتیجه فقدان تجربه در بدنۀ اجرایی کشور و سیاست زدگی آن است که نهایتاً عقلانیت در نظام نفتی و گاز کشور را دچار بی نظمی‌های بسیاری کرده است.

نتیجه گیری

هشت تم اصلی سازنده مدل مفهومی این پژوهش اگرچه هر یک در جای خود به عنوان چالشی جدی در سیر تطور صدور خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز مطرح می‌گردد، اما در مجموع، بر اساس داده‌های کسب شده طی

مصاحبه‌ها، جملگی از یک بیماری مشترک رنج می‌کشند و آن نبود ساختار در بالاترین حلقه مدل می‌باشد که هم موجبات ضعف در رفتار تمامی بخش‌ها را سبب گشته و هم در نهایت، عملکرد صادرات خدمات فنی و مهندسی در حوزه نفت و گاز را به نازل ترین سطح خود کشانده است.

طبق داده‌های کسب شده، نبود ساختار در دولت و ضعف در انباشت تجربه و عدم رویکرد مناسب به صدور خدمات فنی و مهندسی در نفت و گاز و نداشتن راهبردهای مدون و عملیاتی، رفتار دولت را واژگون کرده و این واژگونی خود را به صنعت (و همانطور صنعت نفت) کشانده است و در نهایت، رفتار آن را نیز دچار ناخوشی‌های بسیار کرده است که تیجه آن را می‌توان در بهم ریختگی و ناهمسوی بخش‌های مالی، قانونی و نبود ساختار‌های فناورانه و در نهایت، بحران در ساختار و مدیریت در نظام صنعتی و نفتی ایران دید که نهایتاً عملکرد صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز را به پایین ترین سطح خود رسانده است.

طبق نظریات نخبگان طی فرایند مصاحبه‌ها، نبود ضرورت و اولویت توسعه خدمات فنی و مهندسی در برنامه‌های دولت، راه به دولت زدگی صنعت کشانیده است و انحصار، وارت صنعت دولت زده گشته است و در این انحصار، تنها بخش رانی است که تقویت می‌شود نه بخش رقابتی بدین شکل، برایند هشت حوزه چالش خیز در زمینه صادرات خدمات فنی و مهندسی در صنعت نفت و گاز، به دولت کشیده می‌شود و مستقیماً بی‌نظمی در برنامه‌های دولت را نشانه می‌گیرد چرا که طبق داده‌های کسب شده، تقدم دولت بر سایر امور وضوح کاملی دارد و بر مبنای مدل مفهومی، اگر توسعه، پیشرفت و تکامل اقتصادی دنبال می‌شود، باید دولت در کانون مباحث قرار گیرد.

البته در مباحث جاری کشور، کمتر به این مطلب بپا داده شده و مشخص نیست علت این غفلت و این تقابل از امر دولت و ساختار آن چیست. این پژوهش نشان می‌دهد که معضلات و مشکلات اقتصادی این سرزمین، راههای کلان ساختاری و حتی سیاسی دارد. متنهای وقتی صحبت از نوسازی می‌شود، عمدتاً نگاه به پایین می‌باشد در حالی که وجه مهم از توسعه و نوسازی، توسعه یافته‌گی دولت می‌باشد.

پیشنهادهای کاربردی

در توسعه اقتصادی که مهمترین بخش آن توسعه خدمات، و در کشور ایران، توسعه خدمات فنی و مهندسی نفت و گاز با قدمت صد ساله است، هرچند بازار بایستی رفتار منطقی خودش را داشته باشد، بنگاه‌های اقتصادی بهینه و با بهره برداری کامل کار کنند و نظم و نسق اقتصادی حاکم باشد، اما از آن طرف هم در کشور‌های درحال توسعه گفته شده که دولت لوکوموتیو توسعه است و دولتی می‌تواند توسعه را پیش ببرد که خودش توسعه یافته باشد. دولت عقب افتاده و عقب مانده نمی‌تواند حامل توسعه باشد و به عنوان یک جریان نوساز عمل کند. بنابر این، اگر از حیث توسعه به مسأله نگاه شود، دست مرئی دولت را همه جا باید دید.

طبق آراء نخبگان در طی مصاحبه های انجام گرفته، راه بروز رفت از وضعیت فعلی شامل توجه دولت به موارد زیر می باشد:

- الزام در تدوین و اجرای سیاست های توسعه خدمات فنی و مهندسی و عملیاتی کردن آن
- تلاش در حفظ مدیریت پایدار
- پیوند صنعت نفت با دیگر صنایع
- وجود راهبردهای کلان و عملیاتی کردن آن
- رعایت معیار های عقلانیت بوروکراتیک که وبر آنها را دسته بندی کرده و در راس آنها «شاپیشه سالاری» است.
- دولت پاسخ گو، بدین معنا که دولت شاخک های قوى و حساس داشته باشد که بتواند تحولات صنعتی را پیش بینی کند و خود را برای مطالبات جدید آماده کند.
- ضد فساد بودن، یعنی دولت باید توانایی آن را داشته باشد که هم خوب منابع را استحصال کند و هم بخوبی آنها را تخصیص دهد و به دور از فساد های رایج منابع را هرز ندهد.
- تفکیک اداره از سیاست، دولت خوب باید بتواند امور جاری را از امور سیاسی منفک کند و مانع از آن شود که تحولات سیاسی دامنه اش گسترده شود و کل بدنه اجرایی را دچار دگردشت کند و در معرض تحولات مستمر قرار دهد و مانع از انباشت تجربه شود
- کاهش تصدی یکی از خصلت های مهم دولت توسعه گرایاست، دولت باید بتواند وظایف ستادی خودش را کاهش دهد و به وظایف و کارکرد های اصلی اش، برنامه ریزی و سیاست گذاری، بپردازد.
- هماهنگی بین نهاد های سیاست گذار و نهاد های اجرایی و ایجاد یکپارچگی عمودی و افقی در سطح کلان. بسیاری از چالش هایی که امروز با آنها دست به گریبان هستیم، ناشی از تناقض آمیز بودن وظایف بنیادین و ذاتی بین این نهاد ها می باشد.

منابع

- [۱] فقیهی، ابوالحسن؛ علیزاده، محسن، ۱۳۸۴، روایی در تحقیق کیفی فرهنگ مدیریت، سال سوم، شماره نهم، ۱۹-۵
- [۲] محمدی، رحیم، (۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه شناسی عقلانیت، انتشارات باز، ۴۰_۳۹
- [۳] محمد علی شاه حسینی، ۱۳۸۸، " طراحی مدل سیاستگذاری تخصیص گاز کشور با رویکرد سیستم های پویا"، دانشگاه تهران پایاننامه دکتری، ۵۲
- [۴] نوابخش، مهرداد، (۱۳۹۰)، کاربرد نظریه های اجتماعی در روش شناسی تحقیق، انتشارات موسسه هنری و فرهنگی، ۴۱، ۴۲، ۴۹